

ارزیابی وضعیت سنجش هزینه‌های جرم در نظریه انتخاب عقلانی: مطالعه موردی بزهکاران جرائم کلاهبرداری، سرقت و ایراد ضرب و جرح عمدی

عباس کریم‌نژاد،* مهدی اسماعیلی** و حسن حاجی‌تبار فیروزجایی***

نوع مقاله: علمی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	شماره صفحه: ۱۱۹-۱۴۸
-----------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

این پژوهش با هدف بررسی هزینه‌های رسمی و غیررسمی جرم به روش پیمایشی - توصیفی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش مجرمان محکوم به حبس در جرائمی مانند سرقت، کلاهبرداری و ایراد ضرب و جرح عمدی در شهر تهران هستند که در سال ۱۳۹۸ از زندان آزاد شده‌اند. با استفاده از روش نمونه‌گیری جامعه در دسترس ۱۵ نفر به عنوان حجم نمونه نهایی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در مطالعه حاضر، پرسش‌نامه محقق ساخته بود که روایی محتوایی و صوری آن با استفاده از نظر سه متخصص تأیید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد. پس از تبیین داده‌های جمعیت‌شناختی، توزیع فراوانی و درصد پاسخ سوالات، به منظور تجزیه داده‌ها از روش‌های آزمون تحلیل واریانس چندراهه و آزمون t و برای مشخص کردن تفاوت بین گروه‌ها از آزمون توکی استفاده شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، بررسی هزینه‌های رسمی و غیررسمی جرم در کلاهبرداری بیش از سارقان و در سارقان بیش از مرتکبان جرم ایراد ضرب و جرح عمدی است. همچنین در مقام ارزیابی هزینه‌های رسمی و غیررسمی، به طور کلی کلاهبرداری به هر دو نوع هزینه توجه کافی دارند، سارقان بیش از هزینه‌های رسمی به هزینه‌های غیررسمی تأکید دارند و مرتکبان جرم ایراد ضرب و جرح عمدی توجه کمی به هزینه‌های رسمی و اجتماعی دارند. دلیل اختلاف در وضعیت ارزیابی هزینه‌های جرم به ماهیت جرم‌شناختی جرائم بازمی‌گردد؛ به این معنا که کلاهبرداری به عنوان بزهکاران بقیه سفید با آگاهی مرتکب جرم می‌شوند و مرتکبان جرم ایراد ضرب و جرح عمدی به عنوان بزهکاران یقه‌آبی، مرتکب جرائم هیجانی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: انتخاب عقلانی؛ هزینه‌های جرم؛ مجازات؛ طرد اجتماعی؛ هزینه - فایده

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل آیت‌الله آملی، آمل (نویسنده مسئول)؛

Email: karimnejad_law@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر؛

*** استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر؛

Email: hasan.hajitabar@qaemshahriau.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصد و نهم، تابستان ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4311.4264

مقدمه

از تاریخ پیدایش جرم‌شناسی به‌عنوان یک رشته مطالعاتی جدید در علوم جنایی تجربی تاکنون، نظریه‌های مختلفی از طرف جرم‌شناسان برای تبیین بزهکاری اعم از بزهکاری‌های خُرد و کلان و بزهکاری‌های اقتصادی و مالی و سایر اشکال بزهکاری ارائه شده است. نظریه انتخاب عقلانی که به نوعی شکل احیا و بازبینی شده نظریه کلاسیک «حسابگری جزایی بنتام» (پرادل، ۱۳۹۴: ۶۴) و نظریه معاصر «اقتصاد جرم» (مگوایر، مورگان و ریتر، ۱۳۸۹، ۳۴۶) است، از جمله نظریه‌های موقعیت‌محور و خردگرایانه‌ای است که در دهه ۱۹۷۰ توسط جرم‌شناسانی همچون «گری بکر»^۱، «درک کورنیش»^۲ و «رونالد کلارک»^۳ مطرح شده است.

این ایده که افراد با انگیزه کسب حداکثر سود، رفتارهای خویش را تنظیم می‌کنند، در اصول علم اقتصاد مطرح شده است. اساس این نظریه آن است که تمامی انسان‌ها کنشگران فایده‌باوری هستند که براساس اصالت سود و کسب حداکثر فایده، رفتارهای خویش را تنظیم می‌کنند. به عبارت دیگر مغز کلام این نظریه آن است که انسان‌ها به دنبال انجام رفتارهایی هستند که حداکثر منافع را در قبال کمترین هزینه داشته باشد. این تئوری که در نظریه‌های اقتصاد کلاسیک نیز تبلور یافته است، انسان‌ها را به مثابه کنشگران اقتصادی^۴ در نظر می‌گیرد. در این مفهوم انسان در پی انجام رفتاری است که منافع بیشتری را برای وی به همراه داشته باشد. براساس این نظریه، افراد دارای هدف هستند و امور مورد علاقه خود را براساس درجه اهمیت رتبه‌بندی می‌کنند. بنابراین بهترین انتخاب، در شرایطی به وجود می‌آید که رفتار فرد به حداکثر سود منجر شود از این رو انتخاب عقلانی که ریشه در افکار حامیان مکتب فایده‌گرایی همچون بکاریا^۵ و بنتام دارد، یکی از نظریاتی است که تجزیه و تحلیل رفتارهای مختلف را در بسترهای مختلف علوم انسانی سرلوحه خویش قرار داده است.

1. Gary Becker

2. Derek Cornish

3. Ronald Clarke

4. Economical Actors

5. Beccaria

به این ترتیب نظریه انتخاب عقلانی، مجرم را انسانی اقتصادی و فایده‌گرا در نظر می‌گیرد که همواره در جستجوی فرصت‌ها و انتخاب‌های غیراخلاقی و غیراجتماعی با هدف به حداکثر رساندن منافع شخصی خویش است (مگوایر، مورگان و ریشر، ۱۳۸۹: ۳۴۷). انسان بزهکار قربانی جبر اقتصادی و فرهنگی نیست؛ بلکه فردی است انتخاب‌کننده، حسابگر، اجتماعی و فعال که دست به انتخاب راهبرد می‌زند و براساس موانع احتمالی آن را تغییر می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۷۹). بر این اساس بزهکار، انسانی آزاد، باهوش و با عقل است که آگاهانه (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴: ۲۴۶) و به‌طور واقعی دست به محاسبه دقیق می‌زند (پرادل، ۱۳۹۴: ۶۱) و بعد از ارزیابی احتمالات مختلف بهترین راه حل را انتخاب می‌کند (Walters, 1990: 44). در این رویکرد به فعالیت‌های مجرمانه به مثابه نوعی فعالیت اقتصادی نگاه می‌شود و مجرمان همانند فعالان حوزه اقتصاد، اشخاصی در نظر گرفته می‌شوند که در اقدامات مجرمانه خود، منافع و هزینه‌های رفتارشان را می‌سنجند و در صورتی که منافع آن را بیشتر ارزیابی کنند، دست به ارتکاب جرم می‌زنند (وینتر، ۱۳۹۴: ۱۰).

گرچه نظریه انتخاب عقلانی مخالفان جدی دارد و عده‌ای باور دارند که این نظریه فقط در مورد بزهکاران یقه سفید مصداق دارد، اما باین حال اثربخشی آن در سیاست‌های کیفری در قالب نهضت بازگشت به کیفر و تأکید بر رویکردهایی چون سزاگرایی و بازدارندگی (جوان جعفری و ساداتی، ۱۳۹۰: ۱۲۰) و نیز تدابیر پیشگیرنده وضعی، ضرورت و اهمیت توجه به این موضوع را نشان می‌دهد. این پژوهش درصدد است تا سنجش هزینه‌های جرم را در میان مرتکبان سه دسته از جرائم مهم شامل کلاهبرداری، سرقت و ایراد ضرب و جرح عمدی را بررسی کند. با توجه به آنکه در خصوص جامع بودن نظریه انتخاب عقلانی همواره بحث‌های جدی مطرح شده است، این پژوهش سه دسته از جرائم مختلف را مورد مطالعه قرار داده است تا در نمونه خود سه دسته جرائم یقه سفیدان، یقه آبی‌ها و یقه خاکستری‌ها را بررسی کند. این پژوهش با پرسش اساسی که وضعیت سنجش هزینه‌های جرم در میان مرتکبان سه جرم کلاهبرداری، سرقت و ایراد ضرب و جرح عمدی به چه نحو است؟ با این فرضیه بحث خود را آغاز می‌کند که به نظر می‌رسد که دقت سنجش هزینه‌های جرم در کلاهبرداری بالا، در ایراد ضرب و جرح عمدی پایین و در سرقت متوسط باشد.

این پژوهش درصدد است تا با بررسی سه جرم مورد نظر از یک سو، وضعیت هزینه‌های جرم را مشخص کند و از سوی دیگر جامعیت نظریه انتخاب عقلانی را مورد کنکاش قرار دهد. از این رو بعد از بیان مبانی نظری و روش پژوهش مهمترین یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی ارائه می‌شوند. در نهایت نیز برآمد این پژوهش ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری

مهمترین مبانی نظری به کار گرفته شده در پژوهش حاضر عبارتند از: فایده‌باوری، انتخاب عقلانی و اقتصاد جرم.

۱-۱. فایده‌باوری

در تقسیم‌بندی موضوع‌های مربوط به فلسفه اخلاق^۱ به توصیفی، هنجاری و تحلیلی؛ یکی از مهمترین گرایش‌های اخلاق هنجاری، نتیجه‌گرایی یا همان «فایده‌گرایی»^۲ است. این واژه برای اولین بار در سال ۱۷۸۱ در مراودات و مکاتبات بن‌تام پدید آمد. او به شخصی اشاره کرده که مطابق «اصل فایده‌مندی» عمل می‌کند و فایده را برای عموم مردمی می‌خواهد که هر عملی را مطابق معیار یا محک داوری‌های اخلاقی انجام می‌دهند. بن‌تام و شاگردانش می‌خواستند جهت فایده‌مندی را که بیشتر صبغه سیاسی به خود گرفته و سمت و سوی آن طراحی نهادهایی برای پیشینه و بهینه‌سازی خوشبختی، خوشحالی و لذت همه مردم شده بود، به فایده‌مندی اجتماعی، حقوقی و بُعد سیاسی سوق دهند. حدود چهل سال بعد یعنی در ۱۸۲۸ از مشتقات Utility و از «فلسفه اخلاق» (به معنای ارسطویی تا کانتی آن) رواج یافت، به طوری که هنوز هم بخش عمده‌ای از کتاب‌های فلسفه اخلاق به «فایده‌گرایی» اختصاص می‌یابد. فایده‌گرایی عنوان کتاب استوارت میل است که برای اولین بار در سال ۱۸۶۳ در لندن منتشر شد. اخلاق فایده‌گرا به لحاظ بساطت و سادگی به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که یکی

1. Ethics

2. Utilitarianism

از تقسیمات آن دو بخش فایده‌گرایی عمل محور و فایده‌گرایی قاعده محور است. بخش اول یعنی فایده‌گرایی عمل محور به افعال خاص و جزئی می‌پردازد و به واسطه نتایجش، درستی یا نادرستی هر فعل جزئی را به طور مستقیم ارزیابی می‌کند. از منظر فایده‌گرایی عمل محور، هر عملی فقط در صورتی درست است که بدانیم فاعل در حین انجام آن فعل، گزینه بهتری نداشته و آن را بهترین گزینه با بهترین پیامد تلقی کرده است. این بخش با توجه به حیطه نتایج یا پیامدها در محدوده خود فاعل یا در حیطه بسیار وسیع‌تر - مثلاً برای نوع بشر یا کل انسانیت - به دو شیوه «خود محور» و «غیر خود محور» قابل تفسیر است. خود محوری اخلاقی به عنوان یکی از نظریه‌های مطرح در اخلاق هنجاری اولین بار توماس هابز در کتاب *لویاتان* مطرح شد. وی می‌گوید: عملی درست است که پیامد آن بیشترین خیر را برای خود انسان داشته باشد. وقتی برای سعادت و حظ و خوشی همه عمل کنیم، خودمان سعادت‌مندترین و محظوظ‌ترین آن افراد هستیم. چنین احساسی از آزادی و اختیاری ناشی می‌شود که انسان به طور طبیعی از آن برخوردار است. او می‌خواهد تا به میل و اراده خود قدرتش را برای حفظ طبیعت یعنی زندگی خویش به کار برد و به تبع آن هر کاری را که عقل مناسب تشخیص می‌دهد، انجام دهد. بنابراین در وهله اول، نتیجه هر کار خیر به خود انسان برمی‌گردد (هابز، ۱۳۸۸: ۱۶).

متفکران حوزه اخلاق، فایده‌گرایی عمل محور را به «لذت باورانه» و «آرمان خواهانه» نیز تقسیم کرده‌اند. فایده‌گرایان آرمان خواه در محاسبات عملی خود نه تنها به خوشایندی و ناخوشایندی نتیجه یا پیامد فعل توجه دارند، بلکه آگاهی معنوی (معرفت) و جنبه‌های زیباشناختی را نیز مدنظر قرار می‌دهند.

بخش دوم یعنی «فایده‌گرایی قاعده محور» که نسبت به فایده‌گرایی عمل محور، قدیمی‌تر و دامنه‌اش وسیع‌تر است؛ انواع افعالی را مدنظر قرار می‌دهد که قوانین اخلاقی یا یک نظام اخلاقی معین انجام آن را مجاز شمرده و یا ممنوع کرده باشد. نتایج چنین عملی به عنوان یک قاعده کلی بالفعل برای همه موارد قابل اجراست، به عنوان مثال «وفای به عهد»، «راستگویی»، «رعایت عدالت» و یا «نفرت از دیگرآزاری» به عنوان قاعده شامل کل موارد می‌شود (اسمارت، ۱۳۷۸: ۳۸۵).

۲-۱. انتخاب عقلانی

انسان به عنوان موجود اقتصادی و برخوردار از تعقل کامل در محیطی که برای وی کاملاً مشخص و معلوم است به «مطلوب‌ترین» انتخاب‌ها دست می‌زند. مطلوب‌ترین انتخاب از دیدگاه چنین فردی مترادف با توفیق در دستیابی کامل به هدف سازمان و یا نیل به بیشترین نتیجه مطلوب است. آدام اسمیت^۱ اقتصاددان اسکاتلندی قرن هفدهم نیز نظریه‌های اقتصادی خویش را براساس نظریه انتخاب عقلانی تبیین کرده است. به باور وی «انسان‌ها به واسطه نیروی عقلانی و براساس سلايق شخصی، قادرند حداکثر سود را در روابط اجتماعی و اقتصادی خویش به دست آورند» (Ooms, 2010: 23). این نظریه در بسترهای علوم اجتماعی نیز بر این پیش‌فرض استوار است که کنشگران اجتماعی با تمرکز بر فواید حاصل از ارتباط با دیگران به دنبال کسب حداکثر سود هستند (Hedstorm, 2004: 6). لیتل از الگوی بازیگر عقلانی با تعبیر اختیار عاقلانه یاد می‌کند و معتقد است در این الگو فرض بر این است که «آدمیان در چندراهی‌ها؛ راهی را که با اغراض‌شان موافق است، انتخاب می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از بررسی ادله موافق و مخالف به راه مورد نظر می‌روند» (لیتل، ۱۳۸۸: ۶۵). آلیسون نظریه انتخاب عقلانی را در سیاست‌گذاری با عنوان «بازیگر خردمند» مفهوم‌سازی کرده است؛ از نظر آلیسون «کوشش برای تغییر رویدادهای بین‌المللی براساس هدف‌ها و محاسبه‌های ملت‌ها و دولت‌ها علامت مشخصه الگوی بازیگر خردمند است» (آلیسون، ۱۳۶۴: ۳۶). بنابراین نظریه عقلانی در مواجهه با پدیده‌های کلان کشور چنانچه مبتنی بر محاسبه سود و زیان از سوی بازیگران خردمند انتخاب شود، سیاست‌گذاری جنبه کلاسیک و منعطف در برابر منافع ملی به خود می‌گیرد. انتخاب عقلایی در رویکرد نیت‌مندانه و رفتارگرایانه ذهن انسان نقش تعیین‌کننده دارد. طبق مفروض‌های این رویکرد، انسان فقط موجودی طبیعی نیست که صرفاً به تبع عوامل بیرونی رفتار کند بلکه موجودی حسابگر است. فلسفه آدم اسمیت و جان لاک پشتوانه فلسفی رفتارگرایان نیت‌مند است. این دو متفکر «انسان را موجودی حسابگر

1. Adam Smith

می‌شناسند که در پی افزایش نفع و کاهش ضرر خود است؛ بنابراین انسان موجودی است که عاقلانه انتخاب می‌کند. طبق این نظریه، پدیده‌های اجتماعی همان مجموعه حاصل از کنش افراد محاسبه‌گر است» (منوچهری، ۱۳۹۰: ۴۸). از سوی دیگر براساس نظریه انتخاب عقلایی، پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیانی است که هدف معینی بر اعمال‌شان حاکم است؛ یعنی اعمال آدمیان به سنجش عاقلانه نزد آنها مسبوق است. به این معنا پدیده‌های اجتماعی، حاصل افعال هدفدار بسیاری از افراد محسوب می‌شوند.

در به‌کارگیری انتخاب عاقلانه به عنوان الگوی تحلیل، شخص محقق ابتدا کردار یک فرد را به عنوان انتخابی که مبتنی بر محاسبه‌گری اوست در نظر می‌گیرد؛ آنگاه شیوه تبدیل رفتار انفرادی به یک پدیده جمعی را توضیح می‌دهد. بر همین اساس الگوی انتخاب عاقلانه بر دو نوع است: «الگوی مبتنی بر عقلانیت مؤلفه‌ای و الگوی مبتنی بر عقلانیت استراتژیک. در نوع اول پدیده جمعی صرفاً یک جمع کمی از رفتارهای فردی محسوب می‌شود؛ اما در نوع دوم پدیده جمعی حاصل تعاملات بین افراد است. چنین انتخاب یا تصمیمی فقط براساس مفروضات زیر ممکن است» (استونز و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۶۶):

الف) تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان کامل انجام می‌گیرد،

ب) تصمیم‌گیرنده نه تنها این اطلاعات را به‌طور جامع و کامل در اختیار دارد بلکه از توانایی لازم برای استفاده از این اطلاعات نیز برخوردار است،

ج) معیارهای انتخاب روشن است و تصمیم‌گیرنده دارای یک سیستم رجحان منطقی است که می‌تواند با نظم بخشیدن به ارزش‌های خود راه‌های مختلف را ارزشگذاری و طبقه‌بندی کند،

د) تصمیم‌گیرنده ضمن اینکه می‌تواند نتایج مرتبط هر راه را (از لحاظ اقتصادی یا سایر ارزش‌ها) محاسبه و با دیگر راه‌ها مقایسه کند؛ در انتخاب راه از آزادی عمل کامل نیز برخوردار است،

ه) در چارچوب این مفروضات، تصمیم‌گیرنده اقتصادی یا فردی که منحصرأ در قلمرو مدیریت علمی فکر می‌کند، قادر است راهی انتخاب کند که بالاترین ارزش را از لحاظ اقتصادی برای وی به همراه داشته باشد.

نظریه انتخاب عقلانی به لحاظ ساختاری مبتنی بر دو رکن «انتخاب» و «عقلانیت» است. رکن اول یعنی «انتخاب» به این معناست که بزهکاری حاصل تصمیم‌گیری و انتخاب آزادانه فرد است. این تصمیم‌گیری در دو حوزه است: «تصمیمات درگیر شدن در رفتار مجرمانه» و «تصمیمات حادثه‌ای». تصمیمات درگیر شدن در رفتارهای مجرمانه تصمیماتی هستند که براساس آن بزهکار درباره درگیر شدن یا نشدن در یک رفتار مجرمانه، ادامه دادن یا ندادن آن تصمیم‌گیری می‌کند. این نوع تصمیمات اولاً مستلزم نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت است؛ هرچند که ممکن است برخی افراد در اثر تصمیم‌گیری شتاب‌زده یا آنچه «جرائم احساسی» نامیده می‌شود، تبدیل به مجرم شوند (بونی و لب، ۱۳۹۳: ۱۰۷۰). ثانیاً، این نوع تصمیمات در برآورد هزینه‌ها و منفعت‌های جرم ارتكابی حالت ابزاری دارند. نوع دیگر تصمیمات «تصمیمات حادثه‌ای» هستند؛ یعنی تصمیماتی که براساس آنها، تاکتیک‌های اجرایی جرم تعیین می‌شوند. اگر تاکتیک‌های اجرایی جرم آسان باشد، تصمیم‌های مربوط به درگیر شدن در رفتار مجرمانه، منفعت‌های بالقوه می‌یابند و اگر تاکتیک‌ها سخت و مشکل باشد، تصمیم به درگیر شدن منفعت‌های بالقوه خود را از دست می‌دهد (ویلیامز و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۴۷) با توجه به این رکن از نظریه انتخاب عقلانی، چنانچه نقش تصمیم‌گیری‌ها در فرایند ارتکاب جرم نادیده گرفته شود، بسیاری از فرصت‌های ارزشمند برای کاهش جرم از بین خواهد رفت.

رکن دیگر این نظریه «عقلانیت» است. عقلانیت به این معناست که تصمیم برای ارتکاب جرم از روی حسابگری و عقل و منطق انجام می‌شود. براساس این مفهوم، نظریه انتخاب عقلانی فرض می‌کند که تمامی فاعلان به دنبال منافع شخصی هستند و در مورد ارتکاب رفتارهای مجرمانه یا رفتارهای معمولی براساس ارزیابی هزینه‌ها و منافع تصمیم می‌گیرند؛ به عبارت دیگر انسان‌های عاقل زمانی تصمیم به انتخاب رفتارهای مجرمانه به جای رفتارهای غیرمجرمانه می‌گیرند که منافع خالص جرم بیشتر از منافع خالص اعمال غیرمجرمانه باشد. مطابق این نظریه هزینه‌ها و منافع جرم ارتكابی می‌تواند دارای ابعاد ذهنی و عینی باشد. هزینه ذهنی جرم ممکن است احساس گناهکاری و یا ترس از دستگیری باشد و هزینه مادی آن اعمال مجازات توسط نظام عدالت کیفری است. منافع جرم هم می‌تواند ذهنی

و عینی باشد. منافع ذهنی جرم همان احساس خوشحالی و شور و هیجان ناشی از ارتکاب جرم و منافع عینی آن سود و درآمد حاصل از عمل غیرقانونی است. نکته مهم این است که مطابق این نظریه در فرایند محاسبه و ارزیابی هزینه‌های بالقوه جرم ارتكابی قطعیت و شدت ضمانت اجراهای رسمی و غیررسمی و همچنین حتمیت، شدت و اهمیت از دست دادن شرافت و سرمایه‌های اجتماعی دیگر بسیار مهم است (بنسون و سیمپسون، ۱۳۹۱: ۱۰۶). در ارتباط با مفهوم عقلانیت به دو نکته مهم باید توجه کرد: نکته اول اینکه این عقلانیت به دلایلی مانند محدودیت یا عدم دسترسی بزهکار به اطلاعات دقیق «عقلانیتی محدود» است و مجموعه‌ای از عوامل ممکن است محاسبات عقلانی وی را برهم بزند یا ممکن است وی در تحلیل هزینه‌ها و فواید جرم دچار اشتباه شود. نکته دیگر اینکه این عقلانیت «عقلانیت اقتصادی و لذت جویانه» است نه عقلانیت محض زیرا عقلانیت محض و مستقل هیچ‌گاه به دلیل منافع شخصی حکم به قانون شکنی و رفتارهای ظالمانه نمی‌کند.

مطالعات پیرامون نظریه انتخاب عقلانی، جرم را یک فرایند چهار مرحله‌ای معرفی می‌کند که در آن مجرم اول به «تصور» رفتار مجرمانه در ذهن خود اقدام می‌کند و بعد از محاسبه سود و زیان و منافع و هزینه‌های ارتکاب جرم چنانچه منافع جرم مورد نظر را بیشتر از هزینه‌های آن تشخیص داد؛ به «تصدیق» آن اقدام می‌کند و بعد از مرحله تشخیص و تصدیق منافع دست به «تصمیم‌گیری و انتخاب» رفتار مجرمانه می‌زند و در آخرین مرحله از این فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه به «اجرای تصمیمات اتخاذ شده» مبادرت می‌ورزد. بر این اساس بهترین روش برای عقیم کردن فرایند تصمیم‌گیری راجع به درگیر شدن در رفتار مجرمانه و متوقف کردن مرحله گذار از اندیشه به عمل مجرمانه کاهش «فرصت‌های مجرمانه» از یک سو و «افزایش ریسک‌ها و هزینه‌های مادی و معنوی جرم ارتكابی» از سوی دیگر است.

۳-۱. هزینه‌های جرم

هزینه‌های جرم در یک تقسیم‌بندی کلان به هزینه‌های رسمی و غیررسمی - اجتماعی جرم تقسیم می‌شوند. هزینه‌های رسمی به معنای هزینه‌های بار شده توسط نظام کیفری

بر بزهکار است؛ در حالی که هزینه‌های غیررسمی، پیامدهای اجتماعی ارتکاب جرم است. از این رو هزینه‌های جرم در دو قالب هزینه‌های رسمی و غیررسمی بررسی می‌شوند. هزینه‌های رسمی جرم همان هزینه‌های ناشی از مداخله نظام کیفری است که در شدیدترین شکل خود به مجازات ختم می‌شود. در خصوص مجازات نیز شدت کیفر بحث مهمی است که در سنجش هزینه‌های جرم مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین کیفر اعدام دارای بالاترین هزینه و کیفرهای جایگزین حبس شاید در پایین‌ترین سطح هزینه‌های رسمی باشند. با این حال در سنجش هزینه‌های جرم به شاخص‌های دیگری همچون احتمال کشف، احتمال تعقیب، ادله اثبات، احتمال عفو و... نیز توجه می‌شود. در نقطه مقابل هزینه‌های رسمی که به معنای مداخله نهادهای کیفری است، هزینه‌های غیررسمی یا اجتماعی قرار می‌گیرند. این دسته از هزینه‌های جرم هیچ ارتباطی به نظام کیفری ندارند و تنها به بازخوردهای اجتماعی مربوط می‌شوند. از این رو ترس از بین رفتن آبرو، از دست دادن شغل، از بین رفتن آبروی خانوادگی، انگ مجرمانه و طرد اجتماعی از مهمترین مصادیق هزینه‌های غیررسمی هستند. با آنکه مصادیق هزینه‌های غیررسمی فراوان هستند، اما می‌توان تمامی آنها را در قالب بحث طرد اجتماعی مطرح کرد. به همین دلیل، طرد اجتماعی مهمترین وجه هزینه‌های غیررسمی جرم است. واژه «طرد» به این معناست که کسی یا چیزی توسط دیگری رانده شده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۹۶). طرد اجتماعی نیز به معنای محروم شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی تعریف شده است (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۳). همچنین طرد اجتماعی به معنای فرایند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است (پتريک، ۱۳۸۱: ۸۹). ایده طرد اجتماعی که اکنون مورد استفاده سیاستمداران قرار می‌گیرد؛ برای نخستین بار از سوی جامعه‌شناسان و برای اشاره به منابع نوین نابرابری مطرح شد.

اصطلاح طرد اجتماعی (یا واپس‌زدگی) در معنایی که امروزه می‌شناسیم، نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ در فرانسه مورد استفاده قرار گرفت (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۹۹). طرد اجتماعی در عین اینکه وضعیتی ایستا از محرومیت به شمار می‌آید، فرایند پدیدآورنده این محرومیت

نیز تلقی می‌شود (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۷). این مفهوم ارتباط تنگاتنگی با مفهوم فقر چندوجهی دارد، اما با آن هم‌پوشانی ندارد. تقریباً در همه تعاریف طرد اجتماعی، متغیرهایی مانند مسکن، بهداشت و سلامت و آموزش را می‌توان ملاحظه کرد و مسائل و مفاهیمی همچون مشکلات مالی، نیازهای اساسی، تماس‌های اجتماعی و ناخشنودی اجتماعی نیز در برخی تعاریف آن به چشم می‌خورند. از حیث مقوله زمان یکی از ویژگی‌های طرد اجتماعی، طولی بودن آن است. به عبارت دیگر مدت زمان محرومیت، مؤلفه‌ای مهم در تعریف طرد اجتماعی (و نیز شکل‌گیری طرد) است. علاوه بر این طرد اجتماعی یک جامعه را می‌توان حاصل انباشتگی طرد اجتماعی افراد آن جامعه دانست.

۲. روش

باتوجه به مبانی نظری مطرح شده این تحقیق، از نظر نوع کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی است. برای سنجش هزینه‌های جرم توسط بزهکاران سه دسته از محکومان جرائم مختلف به صورت هدفمند شناسایی شدند. این سه دسته عبارتند از بزهکاران جرائم کلاهبرداری، سرقت تعزیری و ایراد ضرب و جرح عمدی. دلیل انتخاب این سه دسته از جرائم براساس رویکردهای جرم‌شناختی صورت گرفت؛ زیرا براساس تقسیم‌بندی ساترلند، جرائم یقه سفید و یقه آبی در نقطه مقابل هم قرار می‌گیرند. سرقت نیز در زمره جرم‌هایی قرار می‌گیرد که یقه سفیدی محض و نه یقه آبی است. از این رو جرم به عنوان حالت میانه انتخاب شد. جامعه آماری این پژوهش را همه آزادشدگان از حبس در سال ۱۳۹۸ در شهر تهران در سه قلمروی جرم مورد اشاره تشکیل می‌دهند که براساس اطلاعات حاصل شده از سازمان زندان‌ها در نهایت ۱۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه نهایی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه، پرسش‌نامه محقق ساخته بود که روایی محتوایی و صوری آن با استفاده از نظرات سه متخصص تأیید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد. پس از تبیین داده‌های جمعیت‌شناختی، توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤالات به منظور تجزیه داده‌ها از روش‌های آزمون تحلیل واریانس چندراهه و آزمون t و برای مشخص کردن تفاوت بین گروه‌ها از آزمون توکی استفاده شده است. در پرسش‌نامه‌ها، هزینه‌های رسمی و غیررسمی

به صورت متغیرهای جداگانه در کنار متغیرهای دموگرافیک مطرح شدند. نکته مهم آن است که در پرسش نامه‌ها، هزینه‌های رسمی و غیررسمی - اجتماعی از یکدیگر جدا شدند تا به صورت مشخص معلوم شود که بزهکاران سه جرم مختلف در سنجش هزینه‌های جرم به طور عام به چه نحو عمل می‌کنند و به صورت خاص، هزینه‌های رسمی را دارای اهمیت بیشتر می‌دانند یا هزینه‌های اجتماعی را؟ بدیهی است در نظر گرفتن این مسئله حتی می‌تواند در سیاستگذاری‌های جنایی و کیفری منشأ اثر باشد.

بر این اساس مهمترین پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

- تحلیل هزینه‌های جرم در بین بزهکاران جرائم کلاهبرداری، سرقت و ایراد ضرب و جرح عمدی به چه ترتیب است؟

- تحلیل هزینه‌های رسمی جرم در بین بزهکاران جرائم کلاهبرداری، سرقت و ایراد ضرب و جرح عمدی به چه ترتیب است؟

- تحلیل هزینه‌های غیررسمی جرم در بین بزهکاران جرائم کلاهبرداری، سرقت و ایراد ضرب و جرح عمدی به چه ترتیب است؟

- آیا بین متغیرهای دموگرافیک و تحلیل هزینه‌های جرم ارتباطی وجود دارد؟

براساس پرسش‌های مطرح شده فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

به نظر می‌رسد که تحلیل هزینه‌های جرم در بین کلاهبرداران بیش از سارقان و در سارقان بیش از مرتکبان ایراد ضرب و جرح عمدی است. به عبارت دیگر در کلاهبرداران بیش از حد میانگین، در مرتکبان ایراد ضرب و جرح عمدی کمتر از میانگین و در سارقان در حد میانگین است.

به نظر می‌رسد که تحلیل هزینه‌های رسمی جرم در بین کلاهبرداران بیش از سارقان و در سارقان بیش از مرتکبان ایراد ضرب و جرح عمدی است.

به نظر می‌رسد که تحلیل هزینه‌های غیررسمی جرم در بین کلاهبرداران بیش از سارقان و در سارقان بیش از مرتکبان ایراد ضرب و جرح عمدی است.

به نظر می‌رسد که با افزایش سن، تحصیلات و سابقه محکومیت کیفری؛ توجه به هزینه‌های جرم اعم از رسمی و غیررسمی افزایش یابد.

۳. یافته‌های استنباطی

سؤال اصلی: وضعیت ارزیابی هزینه‌های جرم اعم از رسمی و غیررسمی در بین جامعه آماری چگونه است؟

جدول ۱. مقایسه میانگین هزینه‌های جرم با میانگین فرضی ۳

گروه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
سرقت	۳/۳۹	۰/۴۷	۰/۰۶۷	۵/۸۴۶	۴۹	۰/۰۰۱
کلاهبرداری	۴/۱۵	۰/۲۶	۰/۰۳۸	۳۰/۳۴۱	۴۹	۰/۰۰۱
ضرب و جرح	۲/۳۵	۰/۴۵	۰/۰۶۳	-۱۰/۱۰۹	۴۹	۰/۰۰۱
کل	۳/۳۰	۰/۷۴	۰/۰۶۸	۴/۳۶۷	۱۴۹	۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

براساس یافته‌های جدول فوق میانگین ارزیابی و توجه به هزینه‌های جرم در گروه‌های سرقت، کلاهبرداری، ضرب و جرح و در کل گروه‌ها به ترتیب ۳/۳۹، ۴/۱۵، ۲/۳۵ و ۳/۳۰ است. از آنجاکه t محاسبه شده از t جدول بزرگتر است، بنابراین میزان میانگین هزینه‌های جرم در گروه‌های سرقت و کلاهبرداری و در کل گروه‌ها بیشتر از سطح متوسط و میزان میانگین هزینه‌های جرم در گروه ضرب و جرح، کمتر از سطح متوسط است.

بنابراین براساس یافته‌های استنباطی در این قسمت مشخص می‌شود که کلاهبرداران و سارقان بیش از حد میانگین به هزینه‌های جرم اعم از رسمی و غیررسمی توجه می‌کنند و در جرم ایراد ضرب و جرح عمدی این میزان توجه کمتر از میانگین است. شاید یکی از مهمترین دلایل این امر احساسی و هیجانی بودن جرم ایراد ضرب و جرح عمدی باشد. به عبارت دیگر از آنجاکه جرم ایراد ضرب و جرح عمدی در زمره جرائم خیابانی است، منطق و اقتصاد جرم چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از این رو مرتکبان این جرائم به هزینه‌های رفتاری خود توجه نمی‌کنند.

به طور کلی این مطلب در مطالعات جرم‌شناسانه ثابت شده است که بزهکاران هیجانی / احساسی در فرایند ارتکاب جرم به متغیرهای نظریه انتخاب عقلانی انتخاب نمی‌کنند؛

زیرا شور، احساس و هیجان وصف جدایی ناپذیر جرائم این افراد را شکل می دهد. در این مطالعه نیز ثابت شد که میزان توجه به هزینه های رسمی و غیررسمی در مورد بزهکاران جرم ایراد ضرب و جرح عمدی پایین است. در مقابل این میزان توجه در مورد کلاهبرداران بسیار بالا و در مورد سارقان بیش از حد متوسط بوده است. این یافته نیز همسو با مطالعات جرم شناختی نشان می دهد که بزهکاران یقه سفید همچون کلاهبرداران با سنجش دقیق هزینه ها و منافع جرم به رفتارهای مجرمانه روی می آورند.

جدول ۲. آزمون تحلیل واریانس ارزیابی هزینه های جرم در گروه های سه گانه

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
۸۱/۴۴۶	۲	۴۰/۷۲۳	۲۴۴/۲۹۵	۰/۰۰۱
۲۴/۵۰۴	۱۴۷	۰/۱۶۷		
۱۰۵/۹۵۰	۱۴۹			
کل				

مأخذ: همان.

یافته های جدول ۲ نشان می دهد مقدار F به دست آمده برابر ۲۴۴/۲۹۵ است که از مقدار بحرانی جدول بیشتر است ($p < 0.01$) بنابراین بین گروه ها در ارزیابی هزینه های جرم تفاوت معنادار وجود دارد. به منظور مشخص کردن تفاوت بین گروه ها از آزمون توکی استفاده شده که نتایج در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. تفاوت بین گروه های مجرمان در ارزیابی هزینه های جرم

گروه	گروه	تفاوت میانگین	سطح معناداری
سرقت	کلاهبرداری	-۰/۷۶۲	۰/۰۰۱
	ضرب و جرح	۱/۰۳۶	۰/۰۰۱
کلاهبرداری	ضرب و جرح	۱/۷۹۸	۰/۰۰۱

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد بین گروه سرقت و کلاهبرداری در هزینه‌های جرم تفاوت معنادار وجود دارد و هزینه‌های جرم در گروه کلاهبرداری از گروه سرقت بیشتر است. همچنین بین گروه سرقت و گروه ضرب و جرح در هزینه‌های جرم تفاوت وجود دارد و هزینه‌های جرم در گروه سرقت به طور معناداری از گروه ضرب و جرح بیشتر است. تفاوت بین میانگین ارزیابی هزینه‌های جرم در دو گروه کلاهبرداری و ضرب و جرح معنادار است و این هزینه‌ها در گروه کلاهبرداری به طور معناداری از گروه ضرب و جرح بیشتر است.

براساس یافته‌های این قسمت می‌توان ردپای نظریه جرائم یقه‌سفیدان ساترلند را مشاهده کرد. وی در سخنرانی ۲۷ سپتامبر سال ۱۹۳۹ در نشست انجمن اقتصادی آمریکا و جامعه‌شناسی این کشور، به مفهوم بزهکاران یقه‌سفید اشاره کرد. در مقاله وی که بعدها به همین نام چاپ شد ساترلند نتایج مهمی به این شرح به دست آورد:

الف) افراد قابل احترام طبقه متوسط و پایین اجتماع، مرتکب رفتارهایی می‌شوند که پرهزینه بوده و به از دست رفتن زندگی دیگران یا از کار افتادن اعضای بدن آنان منجر می‌شود. از این رو این کنش‌ها جرم تلقی می‌شوند.

ب) جرائم یقه‌سفیدان به مثابه پیامد حضور فرد در تجارت یا شغلی مشخص ظاهر می‌شوند.

ج) این جرائم بیشتر در محیط‌های صنعتی ارتکاب می‌یابند.

د) در میان حوزه‌های مختلف صنعت، برخی شرکت‌ها جرائم بیشتری را مرتکب می‌شوند.

ه) جرائم خیابانی سنتی و جرائم یقه‌سفیدان نباید براساس متغیرهایی چون فقر و محرومیت اقتصادی توجیه شوند.

و) متغیرهای تبیین‌کننده جرائم طبقه نابرخوردار و کارگران با شاخص‌های جرائم یقه‌سفیدان مشابه است.

ز) تمامی جرائم آموختنی‌اند و این فراگیری از طریق تعامل با دیگران و تعاریف افراد از قانون شکل می‌گیرد.

ساترلند در سخنرانی خود دلیل نامناسب بودن نظریه‌های موجود در رفتارهای مجرمانه - تبیین‌های مبتنی بر تفکر فقر افراد و کمبودهای شخصیتی یا روان‌شناختی - را براساس پژوهش‌های نظری نشان داد. به عقیده وی مشکل، الگوهای غرض‌ورزانه‌ای بودند

که جرم‌شناسی تجربی برمبنای آنها شکل گرفته بود. این الگوها تنها شامل جرائم خیابانی بودند و جرائم آپارتمانی را دربرنمی‌گرفت. از این رو نتایج علمی مبتنی بر این داده‌های تجربی قابل رد بودند. ساترلند با پذیرش ریشه‌های ارتکاب جرائم خیابانی و یقه‌سفیدان، قائل به نظریه عمومی جرم - مفاهیم همنشینی افتراقی و نابه‌سامانی اجتماعی - بود. با این حال وی در این سخنرانی و مقاله آن که یک سال بعد به چاپ رسید، از این نظریه نامی نبرد. در عوض ۱۰ سال به پژوهش در حوزه نظریه عمومی جرم - نظریه‌ای که هم جرائم خیابانی را دربرمی‌گیرد و هم جرائم یقه‌سفیدان را - پرداخت و در اولین کتاب خود با عنوان جرائم یقه‌سفیدان به آن اشاره کرد. نظریه ساترلند در تبیین جرائم یقه‌سفیدان دو قاعده تجربی دارد: الف) برخی از حوزه‌های صنعتی نسبت به دیگر حوزه‌ها، استعداد بیشتری در ارتکاب جرم دارند. ب) در میان حوزه‌های صنعتی مشخص، برخی شرکت‌ها یا سازمان‌ها به نسبت دیگر شرکت‌ها مرتکب رفتارهای غیرقانونی بیشتری می‌شوند. به عبارت دیگر همچون افراد برخی شرکت‌ها بزهکاران پایدار هستند. تعداد اندکی از شرکت‌ها گستره قابل توجهی از جرائم یقه‌سفیدان را مرتکب می‌شوند. ساترلند این قاعده‌های تجربی را بدون توسل به شاخص‌های افراد درگیر بیان کرد (سیمپسون و ویزبرد، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

سؤال اول: وضعیت ارزیابی هزینه‌های رسمی جرم در بین اعضای جامعه آماری چگونه است؟

جدول ۴. مقایسه میانگین هزینه‌های رسمی جرم با میانگین فرضی ۳

گروه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
سرقت	۲/۷۴	۰/۴۹	۰/۰۷۰	-۳/۵۶۱	۴۹	۰/۰۰۱
کلاهبرداری	۳/۹۶	۰/۳۴	۰/۰۴۹	۱۹/۵۳۰	۴۹	۰/۰۰۱
ضرب و جرح	۲/۴۱	۰/۵۵	۰/۰۵۱	-۷/۴۷۷	۴۹	۰/۰۰۱
کل	۳/۰۴	۰/۸۱	۰/۰۶۶	۰/۶۰۰	۱۴۹	۰/۵۵۰

مأخذ: همان.

براساس یافته‌های جدول فوق میانگین هزینه‌های رسمی جرم در گروه‌های سرقت، کلاهبرداری، ضرب و جرح و در کل گروه‌ها به ترتیب ۲/۷۴، ۳/۹۶، ۲/۴۱ و ۳/۰۴ است. از آنجاکه t محاسبه شده برای هزینه‌های رسمی جرم در گروه‌های کلاهبرداری، سرقت و

ضرب و جرح از t جدول بزرگتر است، بنابراین میزان میانگین هزینه‌های رسمی جرم در گروه کلاهبرداری، بیشتر از سطح متوسط و میزان میانگین هزینه‌های رسمی جرم در گروه‌های سرقت و ضرب و جرح، کمتر از سطح متوسط و در کل در سطح متوسط است. این یافته نیز در خصوص کلاهبرداری و ایراد ضرب و جرح عمدی منطبق با فرضیه مطرح شده است، اما در خصوص جرم سرقت، میانگین ارزیابی هزینه‌های جرم کمتر از حد متوسط است. حال آنکه براساس فرضیه این پژوهش پیش بینی شده که بررسی هزینه‌های جرم توسط سارقان در حد متوسط باشد. شاید دلیل این امر را بتوان در دو عامل مهم جستجو کرد. عامل اول، وجود انواع مختلف سرقت تعزیری در قانون تعزیرات است. به عبارت دیگر احتمال آن می‌رود که سارقان حاضر در جامعه آماری این پژوهش مرتکب سرقت‌های خیابانی شده باشند. دلیل دیگر شاید به نقش متغیرهای اقتصادی در ارتکاب جرم برگردد. بحثی که زیرمجموعه‌ای از نظریه فشار رابرت مرتن است.

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس ارزیابی هزینه‌های رسمی جرم در گروه‌های سه‌گانه

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۱	۱۴۷/۰۶۰	۳۳/۱۵۱	۲	۶۶/۳۰۲	بین‌گروهی
		۰/۲۲۵	۱۴۷	۳۳/۱۳۸	درون‌گروهی
			۱۴۹	۹۹/۴۴۰	کل

مأخذ: همان.

یافته‌های جدول ۵ در خصوص ارزیابی هزینه‌های رسمی جرم نشان می‌دهد مقدار F به دست آمده برابر ۱۴۷/۰۶۰ است که از مقدار بحرانی جدول بیشتر است ($p < 0/01$). بنابراین بین گروه‌ها در بررسی هزینه‌های رسمی جرم تفاوت معنادار وجود دارد. به منظور مشخص کردن تفاوت بین گروه‌ها از آزمون توکی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. تفاوت بین گروه‌های مجرمان در هزینه‌های رسمی جرم

گروه	گروه	تفاوت میانگین	سطح معناداری
سرقت	کلاهبرداری	-۱/۲۱۲	۰/۰۰۱
	ضرب و جرح	۰/۳۳۶	۰/۰۰۲
کلاهبرداری	ضرب و جرح	۱/۵۴۸	۰/۰۰۱

مأخذ: همان.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین گروه سرقت و کلاهبرداری در هزینه‌های رسمی جرم تفاوت معنادار وجود دارد و هزینه‌های رسمی جرم در گروه کلاهبرداری از گروه سرقت بیشتر است. همچنین بین گروه سرقت و گروه ضرب و جرح در هزینه‌های رسمی جرم تفاوت وجود دارد و هزینه‌های رسمی جرم در گروه سرقت به طور معناداری از گروه ضرب و جرح بیشتر است. تفاوت بین هزینه‌های رسمی جرم در دو گروه کلاهبرداری و ضرب و جرح معنادار است و این هزینه‌ها در گروه کلاهبرداری به طور معناداری از گروه ضرب و جرح بیشتر است. بنابراین همان طور که در فرضیه‌ها مطرح شد، در بررسی هزینه‌های رسمی جرم نیز کلاهبرداران بیش از سارقان و سارقان بیش از مرتکبان ایراد ضرب و جرح عمدی به این متغیرها توجه می‌کنند.

سؤال دوم: وضعیت ارزیابی هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم در بین اعضای جامعه آماری چگونه است؟

جدول ۷. مقایسه میانگین هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم با میانگین فرضی ۳

گروه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
سرقت	۴/۰۳	۰/۷۴	۰/۱۰۵	۹/۷۹۴	۴۹	۰/۰۰۱
کلاهبرداری	۴/۳۴	۰/۳۶	۰/۰۵۱	۲۶/۴۰۶	۴۹	۰/۰۰۱
ضرب و جرح	۲/۳۰	۰/۶۵	۰/۰۹۲	-۷/۶۰۸	۴۹	۰/۰۰۱
کل	۳/۵۶	۱/۰۸	۰/۰۸۸	۶/۳۲۰	۱۴۹	۰/۰۰۱

مأخذ: همان.

براساس یافته‌های جدول ۷ میانگین هزینه‌های غیررسمی یا اجتماعی جرم در گروه‌های سرقت، کلاهبرداری، ضرب و جرح و در کل گروه‌ها به ترتیب ۴/۳۴، ۴/۰۳ و ۲/۳۰ است. از آنجاکه t محاسبه شده برای هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم در گروه‌های کلاهبرداری، سرقت و ضرب و جرح و در کل از t جدول بزرگتر است، بنابراین میزان میانگین هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم در گروه‌های کلاهبرداری، سرقت و در کل بیشتر از سطح متوسط و میزان میانگین هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم در گروه ضرب و جرح کمتر از سطح متوسط است. در خصوص سارقان نیز باید گفت که میزان توجه آنها به هزینه‌های غیررسمی جرم بیش از هزینه‌های رسمی است؛ گرچه برآیند کلی از بررسی وضعیت آنها نشان داد که ارزیابی هزینه‌های جرم توسط آنها کمتر از حد میانگین است. این امر شاید بازتابی از توجه به آداب و سنت‌های یک جامعه سنتی باشد که در آن کماکان شاخص‌هایی چون آبرو، خانواده، طرد و... اثر دارند.

جدول ۸. آزمون تحلیل واریانس هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم در گروه‌های سه‌گانه

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۱	۱۶۴/۰۸۲	۶۰/۸۷۸	۲	۱۲۱/۷۵۶	بین‌گروهی
		۰/۳۷۱	۱۴۷	۵۴/۵۴۰	درون‌گروهی
			۱۴۹	۱۷۶/۲۹۶	کل

مأخذ: همان.

یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد مقدار F به دست آمده برابر ۱۶۴/۰۸۲ است که از مقدار بحرانی جدول بیشتر است ($p < 0/01$). بنابراین بین گروه‌ها در هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم تفاوت معنادار وجود دارد. به منظور مشخص کردن تفاوت بین گروه‌ها از آزمون توکی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۹ آمده است.

جدول ۹. تفاوت بین گروه‌های مجرمان در هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم

گروه	گروه	تفاوت میانگین	سطح معناداری
سرقت	کلاهبرداری	-۰/۳۱۲	۰/۰۳۱
	ضرب و جرح	۱/۷۳۶	۰/۰۰۱
کلاهبرداری	ضرب و جرح	۲/۰۴۸	۰/۰۰۱

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد بین گروه سرقت و کلاهبرداری در هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم تفاوت معنادار وجود دارد و هزینه‌های غیررسمی - اجتماعی جرم در گروه کلاهبرداری از گروه سرقت بیشتر است. همچنین بین گروه سرقت و گروه ضرب و جرح در هزینه‌های غیررسمی یا اجتماعی جرم تفاوت وجود دارد و هزینه‌های غیررسمی یا اجتماعی جرم در گروه سرقت به طور معناداری از گروه ضرب و جرح بیشتر است. تفاوت بین هزینه‌های غیررسمی یا اجتماعی جرم در دو گروه کلاهبرداری و ضرب و جرح معنادار است و این هزینه‌ها در گروه کلاهبرداری به طور معناداری از گروه ضرب و جرح بیشتر است. مجموع نکات یاد شده ما را به این نتیجه می‌رساند که کلاهبرداران به عنوان بزهکاران یقه سفید جامعه در تحلیل هزینه‌های جرم هم به هزینه‌های رسمی و هم به هزینه‌های غیررسمی توجه می‌کنند. این امر شاید مؤید به کارگیری هوش و ذکاوت در ارتکاب جرم توسط آنها باشد. در مقابل بزهکاران جرم ایراد ضرب و جرح عمدی در تحلیل هزینه‌های جرم نه به هزینه‌های رسمی و نه به هزینه‌های اجتماعی توجه می‌کنند. این امر به خوبی مؤید احساسی و هیجانی بودن جرائم بزهکاران این حوزه است.

سؤال سوم: بین نظرهای اعضای جامعه آماری در خصوص هزینه‌های جرم با توجه به متغیرهای دموگرافیک (جنسیت، سن، مدرک تحصیلی، سابقه محکومیت، سابقه جرم و وضعیت خانوادگی) تفاوت وجود دارد؟

جدول ۱۰. تحلیل واریانس چندراهه نمرات هزینه‌های جرم با توجه به متغیرهای دموگرافیک (جنسیت، سن، مدرک تحصیلی، سابقه محکومیت کیفری، سابقه جرم و وضعیت خانوادگی)

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
جنسیت	۰/۳۲۳	۱	۰/۳۲۳	۰/۹۲۰	۰/۳۳۹
سن	۱۰/۳۸۰	۳	۳/۴۶۰	۹/۸۷۲	۰/۰۰۱
مدرک تحصیلی	۶/۵۶۴	۴	۱/۶۴۱	۴/۶۸۲	۰/۰۰۱
سابقه محکومیت کیفری	۵/۸۵۵	۲	۲/۹۲۸	۸/۳۵۳	۰/۰۰۱
سابقه جرم	۱/۰۰۸	۱	۱/۰۰۸	۲/۸۷۶	۰/۰۹۲
وضعیت خانوادگی	۰/۶۰۱	۱	۰/۶۰۱	۱/۷۱۵	۰/۱۹۳

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که بین نمرات هزینه‌های جرم بر حسب جنسیت، سابقه ارتکاب و وضعیت خانوادگی تفاوت معنادار وجود ندارد. ولی بین نمرات هزینه‌های جرم بر حسب سن، میزان تحصیلات و سابقه محکومیت کیفری تفاوت معنادار وجود دارد. آزمون زوجی ارائه شده در جداول ۱۱ و ۱۲ تفاوت بین گروه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. آزمون زوجی مقایسه میانگین نمرات هزینه‌های جرم بر حسب سابقه محکومیت کیفری

سابقه محکومیت کیفری	میانگین	انحراف معیار
بلی	۲/۷۳	۰/۷۵
خیر	۳/۵۷	۰/۷۵

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد بین نمرات ارزیابی هزینه‌های جرم افراد با سابقه محکومیت کیفری تفاوت معنادار است. این امر به خوبی در قالب ساختار جرم در نظریه انتخاب عقلانی قابل تحلیل است؛ به این معنا که افراد با ارتکاب چندباره جرم در ساختار آن جرم حرفه‌ای می‌شوند و جوانب مختلف امر را می‌سنجند.

جدول ۱۲. آزمون زوجی مقایسه میانگین نمرات هزینه‌های جرم بر حسب سن

سن	سن	تفاوت میانگین	سطح معناداری
زیر ۲۰ سال (۲/۲۶)	۲۰ تا ۳۰ سال (۳/۱۵)	-۰/۸۶۶	۰/۰۰۱
	۳۰ تا ۴۰ سال (۳/۵۲)	-۱/۲۴۲	۰/۰۰۱
	بالای ۴۰ سال (۴/۲۱)	-۱/۸۸۸	۰/۰۰۱
۲۰ تا ۳۰ سال (۳/۱۵)	۳۰ تا ۴۰ سال (۳/۵۲)	-۰/۳۷۵	۰/۰۰۸
	بالای ۴۰ سال (۴/۲۱)	-۱/۰۲۱	۰/۰۰۱
۳۰ تا ۴۰ سال (۳/۵۲)	بالای ۴۰ سال (۴/۲۱)	-۰/۶۴۵	۰/۰۰۱

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد با افزایش سن، ارزیابی هزینه‌های جرم افزایش می‌یابد. این امر نیز به خوبی می‌تواند مؤید پختگی فرد در دنیای جرم باشد. علاوه بر آن به نظر می‌رسد که با افزایش سن، احساس در افراد جای خود را به منطق می‌دهد.

جدول ۱۳. آزمون زوجی مقایسه میانگین نمرات هزینه‌های جرم بر حسب تحصیلات

تحصیلات	تحصیلات	تفاوت میانگین	سطح معناداری
ابتدایی (۲/۹۱)	لیسانس و بالاتر (۴/۱۸)	-۱/۱۹۷	۰/۰۰۱
سیکل (۲/۹۷)	لیسانس و بالاتر (۴/۱۸)	-۱/۲۰۲	۰/۰۰۱
دیپلم (۳/۲۴)	لیسانس و بالاتر (۴/۱۸)	-۰/۹۰۹	۰/۰۰۱

مأخذ: همان.

نتایج جدول ۱۳ نشان می‌دهد بین هزینه‌های جرم افراد با مدرک لیسانس و بالاتر با مجرمان با مدارک ابتدایی، سیکل و دیپلم تفاوت وجود دارد. این امر مؤید رشد منطق و تفکر در افراد است؛ به این معنا که با افزایش تحصیلات، میزان تفکر و تعقل در افراد بیشتر می‌شود و آنها به پیامدهای ارتکاب جرم توجه می‌کنند.

۴. ارزیابی و تحلیل داده‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل‌های آماری در این پژوهش نشان داد که در سنجش میانگین ارزیابی و توجه به هزینه‌های جرم براساس آزمون t با میانگین ۳، جرائم کلاهبرداری و سرقت نمره‌ای بیش از میانگین به دست آوردند. همچنین براساس آزمون توکی مشخص شد که اختلاف معنادار در سنجش هزینه‌های جرم توسط سه دسته از بزهکاران موضوع این پژوهش وجود دارد. همچنین در سنجش هزینه‌های رسمی جرم، تفاوت معنادار میان دو جرم کلاهبرداری و ایراد ضرب و جرح عمدی وجود دارد. این اختلاف معنادار در مورد این دوم جرم در مورد برآورد هزینه‌های غیررسمی نیز وجود دارد. یافته‌های آماری ثابت می‌کند که دو جرم کلاهبرداری و ایراد ضرب و جرح عمدی در تمامی متغیرها و آزمون‌های این پژوهش دارای اختلاف معنادار با یکدیگر هستند.

اختلاف ناشی از سنجش هزینه‌ها در قالب دو جرم مورد اشاره را باید در قالب نظریه جرائم یقه‌سفیدان و جرائم یقه‌آبی‌ها که توسط ادوین ساترلند جرم‌شناس مشهور آمریکایی مطرح شده، بررسی کرد. ساترلند با انتشار کتاب *جرائم یقه‌سفیدان*^۱، به برخی جلوه‌های نهان بزهکاری اشاره کرده است. از دید ساترلند این جرائم، بزه‌هایی هستند که به واسطه اشخاص قابل احترام و دارای جایگاه اجتماعی بالا در گفتمان شغلی - سازمانی ارتکاب می‌یابند (Sutterland, 1949: 24). در فرهنگ حقوقی *بلیک*^۲ در تعریف جرائم یقه‌سفیدان آمده است، این اصطلاح معمولاً بیانگر قانون شکنی‌هایی است که به اعتبار سوءاستفاده از اعتماد و اطمینان و حرفه شخص بزهکار انجام می‌شوند (Black, 1990: 53). دیوید ملکن^۲ نیز جرائم یقه‌سفیدان و جرائم شرکتی را از آن جهت که فاقد وصف خشونت‌بار هستند و از نیروی جسمانی در ارتکاب این جرائم استفاده نمی‌شود، جرائم فسفری می‌نامد (Melken, 2002: 844). یقه‌سفیدها بزهکارانی هستند که با سوءاستفاده از موقعیت و برحسب توانایی‌های چون هوش، دکاوت و استعداد مجرمانه مرتکب جرم می‌شوند. با این حال همچنان که در مطالعات جرائم یقه‌سفیدان ثابت شده است، کلاهبرداران در زمره بزهکاران یقه‌سفید قرار می‌گیرند؛ به این

1. Black

2. David Melkin

معنا که در فرایند ارتکاب جرم، با رویکردهای عقلانی مرتکب جرم می شوند و سنجش هزینه - فایده را به صورت دقیق و مشخص مدنظر قرار می دهند. با این توضیحات باید گفت که دلیل توجه کلاهبرداران در این پژوهش در برآورد هزینه های رسمی و غیررسمی جرم ناشی از آن است که آنها به عنوان بزهکاران یقه سفید به انتخاب عقلانی در ارتکاب جرم توجه می کنند. با آنکه نظریه جرائم یقه سفیدان و یقه آبی ها توسط ساترلند مطرح شده است، اما وی در کتاب مشهور خود تنها به تعریف جرائم یقه سفیدان بسنده کرده و جرائم یقه آبی ها را در نقطه مقابل یقه سفیدها به کار برده است. بنابراین جرائم یقه آبی ها جرائمی هستند که توسط اقشار فرودست جامعه و با هدف فرونشاندن خشم، احساس، هیجان یا نفرت ارتکاب می یابند. با این حال وصف بارز جرائم یقه آبی ها خشونت بار بودن آنهاست. همچنین رؤیت پذیری یکی از مهمترین ویژگی های بزهکاران یقه آبی است.

با توجه به نظریه مطرح شده توسط ساترلند، به نحو بهتری می توان یافته های این پژوهش را تحلیل کرد. با توجه به آنکه کلاهبرداری در زمره جرائم یقه سفیدی و ایراد ضرب و جرح عمدی در قلمروی جرائم یقه آبی ها قرار می گیرد، توسل به رویکردهای عقلانی - احساسی در ارتکاب جرم در این باره مهم تلقی می شود. بر این اساس کلاهبرداران به عنوان بزهکاران یقه سفید با تسلط بر شرایط و به صورت کاملاً عقلانی مرتکب جرم می شوند؛ زیرا از نظر آنها ارتکاب جرم تنها در صورتی توجیه پذیر است که منافع آنها را تضمین کند. از این رو آنها در انتخاب عقلانی به رویکردهای هزینه - فایده توجه می کنند. کلاهبرداران با گفتمان تفکر محور نه تنها منافع جرم را برآورد می کنند، بلکه هزینه ها و پیامدهای حاصل از جرم را نیز مورد سنجش قرار می دهند. به همین دلیل است که در یافته های آماری این پژوهش، کلاهبرداران با سنجش دقیق هزینه های رسمی و غیررسمی جرم همواره میانگین بالایی را داشتند. در نقطه مقابل، مرتکبان جرم ایراد ضرب و جرح عمدی به عنوان بزهکاران یقه آبی در تحلیل هزینه های جرم همواره نمره ضعیفی داشتند؛ زیرا ذات و ماهیت جرائم یقه آبی به نحوی است که قوه عقل و انتخاب عقلانی در آنها راهی ندارد. ماهیت خشونت بار و احساسی جرائم این حوزه در کنار رؤیت پذیری بالای آنها در عمل امکان سنجش هزینه ها و منافع را از مرتکبان جرائم این حوزه می گیرد و به همین دلیل، جامعه آماری این پژوهش در جرم

ایراد ضرب و جرح عمدی نیز ضمن تأیید دوگانه بزهکاران یقه سفید - یقه آبی، یافته‌های حاصل از مطالعات ساترلند را تأیید کردند. براساس یافته‌های حاصل از مطالعات آماری، بزهکاران جرم ایراد ضرب و جرح عمدی فارغ از سنجش هزینه‌های رسمی و غیررسمی جرم؛ تنها احساس، خشونت و هیجان را در فرایند ارتکاب جرم مدنظر قرار داده‌اند و به این ترتیب در میانگین نمرات کسب شده در خصوص سنجش هزینه‌ها نمره پایینی کسب کرده‌اند.

اما در مورد بزهکاران جرم سرقت باید گفت در مرز میان بزهکاران جرائم کلاهبرداری و ایراد ضرب و جرح عمدی حرکت می‌کنند؛ به این معنا که آنها در سنجش هزینه‌های رسمی و غیررسمی و در قالب آزمون توکی، همواره نمره میانگین را میان دو دسته دیگر از بزهکاران کسب کردند. این امر مؤید آن است که مرتکبان جرم سرقت، نه مانند بزهکاران کلاهبرداری، حرفه‌ای هستند و نه مانند مرتکبان جرم ایراد ضرب و جرح عمدی مملو از احساس. بنابراین می‌توان مرتکبان جرم سرقت را از دسته‌بندی کلاسیک ساترلند در قلمروی جرائم یقه سفیدان و یقه آبی‌ها جدا کرد. به عبارت دیگر نظریه مطرح شده توسط ساترلند و تقسیم‌بندی بزهکاران به دو دسته یقه سفیدها و یقه آبی‌ها از این دریچه دارای جامعیت نیست؛ زیرا بسیاری از بزهکاران نه یقه سفید و نه یقه آبی هستند. بنابراین یافته‌های حاصل از مطالعات آماری در خصوص مرتکبان جرم سرقت در این پژوهش نظریه سنتی ساترلند را تا حدودی در معرض نقد قرار می‌دهد.

نکته مهم دیگری که باید اشاره کرد آن است که نظریه انتخاب عقلانی یکی از محورهای اساسی سزاگرایی مدرن از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون بوده است. بر این اساس، پیش فرض آن بوده است که بزهکاران با انتخاب عقلانی مرتکب جرم می‌شوند و به همین دلیل باید آنها را مجازات کرد. این نگرش که محصول اندیشه‌های محافظه‌کار در سیاستگذاری کیفری است، در عمل گروه‌های ناب‌خوردار و به عبارت دیگر بزهکاران یقه آبی را به عنوان آماج مجازات‌های سخت‌گیرانه معرفی کرده است. تصویب قوانینی چون سه ضربه و طرح‌هایی چون نظم و قانون به خوبی نشان‌دهنده اتخاذ رویکرد سزاده در قبال جرائم قشر فرودست است. با این حال یافته‌های این پژوهش ضمن رد اتخاذ رویکرد سزاده در قبال بزهکاران یقه آبی، بر این نظر است که سخت‌گیری کیفری را باید در قبال یقه سفیدها اعمال کرد؛ زیرا

آنها با انتخاب عقلانی مرتکب جرم می‌شوند و به همین دلیل، مستحق مجازات‌های شدید هستند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس نظریه انتخاب عقلانی به عنوان یکی از نظریه‌های کلاسیک جرم‌شناسی، بزهکاران همانند کنشگران اقتصادی در شرایطی مرتکب جرم می‌شوند که منافع حاصل از جرم را بیش از هزینه‌های آن برآورد کنند. بر این اساس بزهکاران در سنجه‌های اقتصادی، میزان سود و زیان جرم را ارزیابی می‌کنند. اگرچه منافع حاصل از جرم ممکن است منافع مالی یا روانی باشد، اما موضوع پژوهش حاضر ارزیابی هزینه‌های جرم توسط بزهکاران بود. بر این اساس هزینه‌های جرم در دو قالب هزینه‌های رسمی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. تمرکز بر هزینه‌های رسمی و اجتماعی جرم به این دلیل انجام شد که در تئوری انتخاب عقلانی، عمده هزینه‌ها متوجه هزینه‌های رسمی است؛ امری که اثر آن در سیاست کیفری مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر در سنجه‌های اقتصادی انتخاب عقلانی و نظریه‌های فرصت بالا بردن هزینه‌های جرم تنها از طریق کیفرگرایی و افزایش شدت مجازات‌ها محقق می‌شود و به همین دلیل هزینه‌های اجتماعی مورد غفلت واقع می‌شود.

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که کلاهبرداران به عنوان دسته‌ای از بزهکاران یقه‌سفید در تحلیل‌های هزینه‌های جرم هم به هزینه‌های رسمی و هم به هزینه‌های اجتماعی توجه می‌کنند؛ زیرا آنان به عنوان بزهکاران باهوش تمامی جنبه‌های جرم را مورد توجه قرار می‌دهند. براساس یافته‌ها میزان توجه کلاهبرداران به هزینه‌های رسمی و اجتماعی بالاتر از حد میانگین بود. این امر به خوبی مؤید حالت خطرناک در این دسته از بزهکاران است. رافائل گاروفالو نخستین بار مفهوم حالت خطرناک را ایده‌پردازی کرده است. به عقیده وی حالت خطرناک دارای دو بُعد «ظرفیت و استعداد جنایی»^۱ یعنی وضعیتی که به واسطه اقتران عوامل جرم‌زا در فرد پدید می‌آید و «سازگاری اجتماعی»^۲ به معنای درجه انطباق و

1. Criminal Capacity

2. Social Adaption

جامعه‌پذیری مجرم است (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۶: ۱۲۱). از درجه مفهوم «خطرناکی» ابتدا در جرم‌شناسی متولد شد، ناگفته پیداست که تغییر رویکرد نسبت به این مفهوم جرم‌شناختی در حقوق کیفری نیز تأثیرگذار بوده است. تغییر در مصداق‌های مجرمان خطرناک، ماهیت جرائم، خاصیت سلبی واکنش‌ها و مراقبت توان‌گیر از جمله این تحول‌هاست. با این حال خطرناکی یا حالت خطرناک مفهومی است که در دوره‌های مختلف، تحت تأثیر مکاتب و آموزه‌های علوم جنایی حاکم دچار نقش‌ها و کارکردهای متفاوتی شد. این مفهوم در اواسط سده نوزدهم، تحت تأثیر مکتب تحقیقی با اقدام دفاع اجتماعی موجب طرد و خنثی‌سازی بزهکار می‌شد. از اواسط سده بیستم به بعد، اقدام‌های تأمینی و تربیتی، مبنای بازپروری و اصلاح مجرمان در جرم‌شناسی بالینی قرار گرفت. پس از شکست سیاست اصلاح و درمان بزهکاران «مهمترین تحول جرم‌شناختی که منجر به تأکید بر خطرناکی و امنیت محور شدن نگاه به مجرم خطرناک شده است، شکل‌گیری جرم‌شناسی تخمینی - آماری - نو با رویکرد مدیریتی و با هدف کاهش و کنترل خطر بزهکاری است» (رضوانی، ۱۳۹۶: ۲۹).

در نقطه مقابل مرتکبان جرم ایراد ضرب و جرح عمدی در تحلیل هزینه‌های جرم توجه چندانی به هزینه‌های رسمی و غیررسمی ندارند، به طوری که میانگین ارزیابی هزینه‌های رسمی و اجتماعی جرم توسط آنها کمتر از حد متوسط بود؛ زیرا مرتکبان این جرائم عمدتاً بزهکاران یقه‌آبی هستند. این گروه بزهکارانی هستند که عموم جرائم آنها جرائم خیابانی است. وجه مشخص جرائم یقه‌آبی‌ها هیجان‌محوری بزه‌های ارتكابی توسط آنها و غالب جرائم یقه‌آبی‌ها، جرائم خشونت‌بار است. در این چارچوب هیجان و احساس به عنوان پارادایم غالب در جرم ایراد ضرب و جرح عمدی به طور مشخص در نقطه مقابل عقلانیت مکتب کلاسیک جرم‌شناسی قرار می‌گیرد و به همین دلیل مرتکبان جرائم این حوزه به هزینه‌های جرم توجه چندانی نمی‌کنند.

با این حال جرم سرقت تعزیری به عنوان جرمی میانه که در حد وسط جرائم یقه‌سفیدان و یقه‌آبی‌هاست، برای ارزیابی هزینه‌های جرم مورد بررسی قرار گرفت. به طور معمول در مطالعات جرم‌شناسی، جرم سرقت به طور مشخص نماینده یقه‌سفیدها و یقه‌آبی‌ها

نیست. به همین دلیل بررسی وضعیت ارزیابی هزینه‌های جرم توسط سارقان می‌تواند جالب باشد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بررسی هزینه‌های جرم اعم از رسمی و غیررسمی توسط سارقان کمتر از حد متوسط است. شاید دلیل این امر به تنوع سرقت‌های تعزیری در قانون تعزیرات برگردد. همچنین ممکن است که یافته‌های این پژوهش سرقت را نزدیک‌تر به جرائم یقه‌آبی‌ها کند. نکته مهم‌تر آن است که سارقان موضوع این پژوهش در تحلیل هزینه‌های رسمی و اجتماعی بیشتر به هزینه‌های اجتماعی توجه داشتند؛ به نحوی که ارزیابی هزینه‌های اجتماعی بیش از حد میانگین بود. به عبارت دیگر زمانی که ارزیابی هزینه‌های اجتماعی بیش از هزینه‌های رسمی باشد؛ می‌توان گفت که راه حل کنترل جرم، کیفرگرایی و تشدید مجازات‌ها نیست.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش حاضر که محصول ارزیابی داده‌های دموگرافیک است آن است که با افزایش سن، سابقه محکومیت کیفری و افزایش تحصیلات؛ میزان توجه به هزینه‌های رسمی و غیررسمی جرم افزایش می‌یابد. این امر به خوبی یادآور تئوری ساختار است که بزهکاران بالقوه پیش از ارتکاب جرم و با توجه به ساخت مجرمیت با ملاک قرار دادن تجربیات شخصی خود به پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. توجه به رویکردهای هزینه - فایده این نتیجه منطقی را در پی دارد که بزهکاران به سوی جرائمی پیش روند که سابقه ارتکاب آن را داشته‌اند. بر این اساس بزهکاران با وجود تجربه‌های شخصی در ارتکاب یک جرم و کسب مهارت لازم، شیوه‌های مختلف ارتکاب جرم و راه‌های گریز از خطرهای ممکن را دریافته‌اند.

منابع و مآخذ

۱. استونر، جیمز و دیگران (۱۳۷۹). مدیریت، ترجمه علی پارسیان و سیدمحمد اعرابی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. اسمارت، جی. جی (۱۳۷۸). «فلسفه اخلاق» در پل ادواردز، *فلسفه اخلاق (از دایرةالمعارف فلسفه)*، ترجمه انشاءالله رحمتی، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۳. آلیسون، گراهام. تی (۱۳۶۴). *شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی؛ تفسیری بر بحران موشکی کوبا*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. بنسون، مایکل. اس و سالی سیمپسون (۱۳۹۱). *جرائم یقه سفیدی: رویکردی فرصت‌مدار*، ترجمه اسماعیل رحیمی‌نژاد، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۵. بونی. اس. فیشر و پی. لب استیون (۱۳۹۳). *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، تهران، نشر میزان.
۶. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۴). *سیاست جنایی ریسک‌مدار*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۷. پتریک، فیتز (۱۳۸۱). *نظریه رفاه، سیاست اجتماعی چیست؟* ترجمه هرمز همایون‌پور، چاپ اول، تهران، گام نو.
۸. پرادل، ژان (۱۳۹۴). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
۹. جوان جعفری، عبدالرضا و سیدمحمد جواد ساداتی (۱۳۹۰). «از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، سال اول، ش ۲.
۱۰. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی*، چاپ چهارم، تبریز، انتشارات فروزش.
۱۱. رضوانی، سودابه (۱۳۹۶). *مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۲. سیمپسون، سالی و دیوید ویزبرد (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی جرائم یقه سفید/ان*، ترجمه حمیدرضا دانش‌ناری و آزاده صادقی، تهران، انتشارات مجد.
۱۳. غفاری، غلامرضا و محمدباقر تاج‌الدین (۱۳۸۴). «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال چهارم، ش ۱۷.
۱۴. گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران، نشر نی.
۱۵. لیتل، دانیل (۱۳۸۸). *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، چاپ پنجم، تهران، نشر صراط.

۱۶. مگوایر، مایک، راد مورگان و رابرت ریتر (۱۳۸۹). *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۷. منوچهری، عباس (۱۳۹۰). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱). *تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی*، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، بازبینی و ویرایش مجید صادق نژاد نایینی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۹۶). *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۰. ویلیامز، فرانک پی و مک‌شین، ماری. لین. دی (۱۳۸۶). *نظریه‌های جرم‌شناسی*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات میزان.
۲۱. وینتر، هارولد (۱۳۹۴). *اقتصاد جرم*، ترجمه حمید بهره‌مند بگ‌نظر و زهرا ساکیانی، تهران، دادگستر.
۲۲. هابز، دیود (۱۳۸۸). *جستاری در باب اصول اخلاق*، ترجمه مجید داودی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
23. Black. M.A. (1990). *Black's Law Dictionary*, 6th Edition, West Publishing.
24. Hedstorm, Peter (2004). *Rational Choice and Sociology*, The New Palgrave Dictionary of Economy.
25. Hugli, Aanton (2001). "Utilitarianism", in: *Joachim Ritter (Hrsg)*, Historisches Wörterbuch der Philosophie, Band 11.
26. Melken, David (2002). *White Collar Crime*, The Oxford Handbook of Criminology, Edited by Mill Maguaire.
27. Ooms, Erik (2010). *Amartya Sex and Rational Choice*, in www.britannica.com/eb/artical/.
28. Siegel, Larry (2011). *Criminology*, Wadsworth, Fourth Edition.
29. SutherLand, Edwin (1949). *White-Collar Crime*, New York, Dryden Press.
30. Walters. Glenn. D. (1990). *The Criminal Lifestyle*, London, Sage Publication.